

شده مشتری هر روز کمتر بشود: «الان همه نگاه کن شلوغ است ۷۰ درصدا خود کسبه هستند که از بیکاری در راهرو راه می‌روند. باقی همه قدم می‌زنند اما هر چیزی نمی‌خرد» و معتقد است بازار موبایل با افت ریز قیمت دلار راکد شده: «مردم قبلاً دو میلیون تومان داشتند می‌خریدند و با شش می‌آوردند و باقی لوازم جانبی می‌خریدند الان با ۱۰ میلیون هم یک گوشی خوب نصیب کسی نمی‌شود. واقعیت این است که باز بسته بودن بازار باعث فرقی به حال کسی نکرده. این بازار مرده است.»

اینجا فروشنده‌ها در کرتختی بازار همه تصمیمات برپایشان علی‌السویه است. در راهروهای این شهر دمی که ماسک پشت دلو نخستین بی‌حصوله می‌باشد: «من خودم کرونا گرفتم و از همه بیشتر می‌ترسم که دوباره بگیرم. دو هفته هم مغازه را تعطیل کردم چون جای از مرضی با این وضعیت نمی‌شود کار کرد.» یا سربزه راهرواشاره می‌کند: «اُهروی پاساژی که در آن فقط نگهبان قدم می‌زند پدر کار نمی‌خورد» مغازه بعدی پسر جوانی است که مشغول خوردن ناهار در قلابه شوکی است: «استش ما فروشنده عمده هستیم و زود هم تعطیل بکنند فرقی برای ما ندارد چون تلفنی هم می‌شود کار کرد. بکسران اینجاست که تک فروشی می‌کنند آسیب می‌خورند چون اینجا بیشتر به از ساعت ۳ تا ۱۰ شب بیشتر می‌آیند.» مرد جوانی را به‌همراه دو کودک که همگی ماسک به‌صورت دارند اتفاقی در هر طبقه می‌بینم. به نظر بی‌دلیل در پاساژ دیگر می‌خورند. از مغازه‌ای را می‌پایان دیگر می‌روند. قیمت می‌گیرند و به ویتترین‌ها خیره می‌شوند. مرد می‌ایستد کنار زنده قلابز و بچه‌ها را روی دست بلند می‌کند و بعد از بازگردن به بیست و تعجب با یکدیگر حرف می‌زنند. یاد حرف‌ها را کفش فروش می‌افتم که از تفریح در پاساژها می‌گفت. به نظر این مرد هم آهسته‌ها را برای تفرح به این مرکز تجاری آورده است که در این بازار راگد تبدیل به بارک شده‌اند.

وسط پاساژ با مسک گعده کرده‌اند. حرف‌ها بر آرد خرامانی است که که کرنا
از این بیش از ده ماهی است که به نه تنها
دره است. ارمان که مسک رنگارنگ
به صورت زده فروشنده لباس میهمانی
زانانه است؛ «هزینه مغازه من با خرج
فروشنده مالیات و شارژ ماهی ۲۰ میلیون
فروشنده تقسیم بر روز کنید می شود روز
تقریباً ۷۰ هزار تومان حالا ما تا غروب
روزهای عادی یک قلم دو قلم
می فروختیم و من باید ۵ تا ۶ قلم در روز
برفروشم تا چیزی نصیب خودم بشود. این
امکان دارد؟»

روزنه که بوتیک لباس مردانه آذر (بیشتر) کسانی که پاساژ مغازه‌های می‌کنند، نمی‌آیند تا ۶ عصر از پاساژ هزینه‌ای خود بر بایاند و مالک‌ها هم هیچ‌کدام کنار نمی‌آیند. هیچ مالکی در شرایط کنونی آنقدر نه گریه که کرده نه چیزی. نرخ تورم آنقدر بالاست که کسی کنار نمی‌آید اگر پول نداشته باشد. می‌پسند به مالکی گفتیم آقا تعطیل است نمی‌توانیم از پس خرج ببریم. اما اینجوری اوضاع برای ما بدتر شده است... پیشنهادها هم زیاد است یکی می‌گوید: (این شکلی دو کاش دو روز در هفته لا تعطیل می‌کردند) و دیگری می‌گوید: (این شکلی ازحام بیشتر خواهد شد...) باقی هم با خنده از روی ازحام بیشتری می‌کنند. پاساژ دیگر در مرکز شهر اما اوضاع متفاوت دارد. رویه‌ها در این‌ها تاسی‌های خالی منتظر مسافر و راننده‌های موتور است که در پیاده رو ایستاده‌اند. از ورودی تبه به تبه آدم‌ها وارد می‌شوم و به‌نظر خودم از پاساژهای دیگری است که امروز دیگر (بسیار)، روی الی‌ای بزرگ آن کسبه خواسته شده از ماسک استفاده کنند، وگر نه با احتیاط و یلب مغازه رویه‌ها می‌فرشند. هر چند رقبه اول و مغازه‌های موایل فروشنده این‌ها را به‌دست می‌آورند. استیقات بالا پایین خلوت و پسر جوانی با موی بلند و ابروهای به هم پیوسته مشغول سفارش گرفتن از همکاری در شهر است. از فروش‌هایش که تمام می‌شود از کسادی بازار و نوسانات قیمت دلار شکایت می‌کند که باعث

سوپرمارکتی، برسه زنان به فروشنده‌هایی نگاه می‌کنم که با همدنفری در گوش به موبایل خیره شده‌اند. کسی حوصله حرف می‌دهد؟ این نادره‌ام از کار مانتو فروشی مهدی که رد می‌شوم چشم در چشم می‌شوم. داخل می‌روم و از اوضاع می‌پرسم، مهدی حساسی ناامید است و به نظرش تا این ویروس ریشه کن نشود اوضاع اقتصادی به دردت بدشو نیست. او با خنده می‌گوید: «روانا که سه‌پهل است، بره اتفاق بدتر می‌کند که بیفتد هاپرمارکت شلوغ است.»

مهدی که از قدیمی‌های این پاساژ است می‌گوید: «قبل از این تعطیلی ساعت ۶ اوضاع مالی ما بد بود ولی لاقل امیدوار بودیم مردم بیرون می‌آیند. الان دیگر امید به این هم نداریم. مردم که تفریحی جز قدم زدن در پاساژ نداشتند و فقط تماشا می‌کردند. حالا هم تازه از سرکار می‌رسند خسته و بی‌کار می‌شوند که ما باید جمع کنیم و بروسیم. از این به بعد مردم در تعطیلی من قول می‌دهم همه می‌روند روزه و می‌همی‌های»

در طبقه آخر میز و صندلی‌های فودکورت که برپید خالی است. در سالن وسیعی که با خریدهای بزرگ محاصره شده خوردن و نفر بسته و گریخته مشغول بودند نظار هستند و فروشنده‌ها به هر کسی که وارد سالن می‌شود نگاه می‌کنند. یکی از فروشنده‌های فست فود می‌پشت‌خا‌ل نشسته و با ظرف سالاد کنار دستش بازی می‌کند: «از مهره‌ها که آمار اپتلا با رفت مسمی زمین خوردیم، دیگر مثل سابق کار نمی‌نماید و از این به بعد با محدودیتی ساعت ۶ عصر تقریباً بهتر است بنشینم. ای کاش کلاً تعطیل می‌کردند. دوباره گریشتیم به همان ماه‌های اول، و او که ماسک را پایین آورده از رعایت همه پروتکل‌های بهداشتی در سرود گذار تصریف می‌کند: «راستش را بگویم وقتی شاوغ می‌شود ما مثل همه مگران می‌شویم. ولی خدا را شکر تا حالا مبتلا نشده‌ایم.» او مقابل آمیچور فریسنی که هیچگاه حتی در اوج کرونا هم از صف‌های بلندش بااستادش نمی‌گذرد می‌پاسازی کسی که سالن‌های شهر می‌رسم، خروده‌ای و مغازه‌دارها که تکیه داده به فروشهای

امیر رجبی / ایران

گپ و گفتی با فروشندگان مراکز خرید درباره محدودیت‌های جدید

غمگین از کسادى و نگران شلوغى

محمد معصومیان
گزارش نویس

تا حریف کسبه را بشنوم. ستاد ملی کرونا محدودیت‌هایی را به تصویب رسانده که مدتی است مشاغل گروه ۴ و ۵ به مدت یک ماه در آن مشاغل کشور تعطیل باشند. بهتر است ساده بگویم همه مشاغل بجز فروشندگهای اغذیه و سوپرمارکت‌ها و داروخانه‌ها و بیمارستان‌ها و آتش نشانی که دو خوششان در رد اول اهمیت قرار می‌گیرد الباقی فرهنگیان چراغ‌ها را با ساعت ۶ خاموش کنند و کرکره را پایین بکشند. تصمیمی که سوالات و ابهامات زیادی در مورد ضمیمه اجرا و تأثیرگذاری آن روی شیوع بیماری ایجاد کرده است. حالا دیدن دید این تصمیم پس از مدتی چه تأثیری روی شیوع بیماری خواهد گذاشت.

پاسازی در یکی از محلات شمال شهر در نگاه اول شلوغ و به نظر می‌رسد. ساعت ۱۲ ظهر است و از پیش‌تر به کمک

می‌شود.» دوست دیگری هم از کمبود سوپرمارکت در مرحله می گوید که باعث ازدحام در این مرکز خرید می‌شود. قدم زنان به سمت دیگری روم که مجموعه‌ای از رستوران‌ها و آبمیوه فروشی‌ها است که بسیاری از مشتریان بعد از خریدی طاقت فرسا، دهی ماسک را به چانه می‌زنند و غذای سبکی می‌خورند. یکی از آبمیوه فروش‌ها که منتظر مشتری است، چشم می‌چرخاند و از کم شدن مشتری می‌گوید و اینکه کرونا کاروانساری را خراب کرده است: «هیچکس خرید نمی‌کند، حالا امروز رانربین جمی شلوع است روزهای قبل از محدودیت جدید خیلی خلوت بود.»

بنظر باتر اما آنقدر خلوت است که به‌نظر بهتر می‌آید هرچه کشش و لباس فروشی هست تم تغییر کاربری یابد. به‌دنبال

«البته تأثیر تعطیلی ساعت ۶ هم هست، در واقع با این کار همه مجبورند در زمان کمتری خرید کنند و طبعاً از دحام بیشتر طبقات بالاتر اما آنقدر خلوت است که به نظر بهتر می آید هر چه کفش و لباس فروشی هست هم تعبیر کاربری بدهنده

جدول روزنامه‌ی ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

یک جدول با دو شرح

- ۵- زندگاه «عطار» - آبگیر - کلار (پرسپولیس)
- ۶- هرگز نه - ایوان وسیع - سرد خانه خانگی
- ۷- اسچاپار - ملخ دریایی - سرمری سابق «استقلال خوزستان»
- ۸- نشتسته برسوسله قلیله - ناتوان - زنگوله
- ۹- هسته - سیستع - مال گرافیکی - بر سراسر
- ۱۰- روستای استان آذربایجان شرقی از توابع «مرند» -
- ۱۱- نفس چاق - بی رفق ندارد!
- ۱۲- شہر قدیمی «خوزستان» - فیلم «بهرام بهرامیان» -
- نوعی پاستا - طرف
- ۱۳- موزی ترین بیماری قرن - حد و حساب - به سمت آسمان!
- ۱۴- عروسک کنار «سارا» - اجرای نقش در یک نمایش -
- بی آبرو
- ۱۵- سرمعاویہ رئیس جمهور فعلی «اسلواکی»

۱۱- ارقطعات خودرو- مخفیانه- وزغ
۱۲- جدا- یقین- راوی- ضد «خوبی»
۱۳- در بردن- منطقه نمونه گردشگری «بوشهر»- ماده‌ای
معطر
۱۴- حوری دریایی اساطیر یونان- زمین دار
بزرگ
۱۵- گونه‌ای پارچه نخی- استانی در «زاین»

▼ عمودی:
۱- قبلی از اسمیه زارعی نژاد (۱۳۹۸)- سازگاری، صلح
۲- عاقبت- بیم بسیار- هوو
۳- عیبه- یک دهانه بر خورودی در ماه- کسی که بایک
سیستم تعامل دارد
۴- لوله گوارشی- اسب سرکش
۵- ماده شست

- ۱- افسانه ویاپیه هرچیز- روز قیامت
- ۲- امیر- مدرسو- سیاهر- خاکی قابل سکونت-ا ... اگر شتاب کند مهره تو نیست / دل در کسی بیند که دل بیست تو نیست
- ۳- مخلوط گوگرد آو- سنیک- لقب هندو- دوران دیش
- ۴- خاطر- جامه- پوستی- سیاهرگ- یواش
- ۵- اگر چمندگشتن- بزرگ و رئیس- جنگ دراه خدا
- ۶- نام- «یونیس»- «نیرنگار خاتم»- شاگرد کارگاه- پایان روز
- ۷- زور زنی- عاطفی- بخاری دیواری- کش
- ۸- ماده قالبی شست و شو- پول «ترکیه»- هماهنگ
- ۹- حق ناقصی در سازمان ملل- سنگ خارا- تفریق
- ۱۰- عددی از عدد دیکو
- ۱۱- نفی- اید- مورد نیاز یا حتمی- از روی بی میلی و اجبار
- ۱۲- نام- «چاپک»- «ادیب چک»- تاج- دزنی به سیگار
- ۱۳- ورزش آبی- مخلص- صادق- شیرخ- خرما- میمن
- ۱۴- ریختن باران از آسمان- جزیره ایرانی- ماترک
- ۱۵- فضای اخلاقی و خودمآلی- خانه- در بازار بورس
- ۱۶- معامله می- شود- و حدش تمام برق
- ۱۷- باره چیدن- اوارشدن- هندوان

[illegible][illegible][illegible]

۱۱- فضای خصوصی و خودمانی خانه - در بازار بورس معامله می شود - واحد شدت برق

۱۲- پاره چینه - آزادبان هندوان

▼ عمودی:

۱- یکی از رکن بازاربازی - زاله

۲- بروز دادن - پاره چینه شبیه به طلسم - ناممکن

۳- دوری از مسابقه - گلی بهاری - قنات

۴- سرپرست دانش آموز - نور ضعیف - بوسيله - شبکه تلویزیونی

۵- سفره طعام - بخشی از سیرابی - مظهر لاغری

۶- موی مجعد - تقلا، سعی - بی دغغه

۷- به رو خوابیده - نوعی پراتنز - خطر کردن

۸- حامی و دستگیر - بمب مخفی - میهمانی نوبتی!

۹- تکارو - تشکیل - تأسیس - بی حاسی

۱۰- برای بیماران قلبی مضراست - خیال - صمغ معطر

۱۱- آخر - اعشاری - آهنگ موزون

۱۲- جمع امت - ضمیمه بی حضور - به تدریج - اسب چاپار

۱۳- ماه بهاری - یک نوع رنگ سبز - ضد «گرما»

۱۴- خشک - گله و رشکایت - دنبال هم

۱۵- جرات - بازی گر فیل - «بی حسی موضعی» (روی پرده سینماها)

▼ افقی:

۱- از نقاط دیدنی استان «همدان» - داستان «اریک برن»

۲- سیم برق خودرو - سازمان فضایی - تازه ساخت

۳- از روش ها و سبک جراحی چشم - منتهای آرزو - کنایه از سخت و سنج

۴- فیلم «جلال مهربان» - دختر - دیلم - کریم

۵- درجه کوتاهی و بلندی صدا - دوباره کاری - تپوش

۶- روستایی در ۱۰ کیلومتری «مشگین شهر» - شهری در «آلمان» - حرف همراهی

۷- بازار سهام - کلرو فیل - کندو

۸- آفرین - سخنان مربوطه طرف دار - شخص معین شده برای کار

۹- روستایی با اصالت و هویت در «دامغان» - شرح کتاب و ستا در رخشان

۱۰- آلاپلاوس - رسم - آشنخانه - کارگردان «تعلیلات در

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۵۲۶

جدول سودوگو

		٦	٤		٧	٨	٥	
					٢	٩		٤
		٤		٩	٦		١	
٣								١
	٢		٧		٣		٩	
٨								٥
	٧		٨	٦		١		
٤		١	٩					
	٦	٨	٣		١	٥		

۳				۹			۴
			۲		۷		
	۸		۵			۹	
		۵	۲		۹		۸
	۴					۱	
۸		۱		۴	۵		
	۹			۲		۸	
		۲		۵			
۶			۴				۹

၁	၂	၃	၄	၅	၆	၇	၈	၉	၁၀
၁၁	၁၂	၁၃	၁၄	၁၅	၁၆	၁၇	၁၈	၁၉	၂၀
၂၁	၂၂	၂၃	၂၄	၂၅	၂၆	၂၇	၂၈	၂၉	၃၀
၃၁	၃၂	၃၃	၃၄	၃၅	၃၆	၃၇	၃၈	၃၉	၄၀
၄၁	၄၂	၄၃	၄၄	၄၅	၄၆	၄၇	၄၈	၄၉	၅၀
၅၁	၅၂	၅၃	၅၄	၅၅	၅၆	၅၇	၅၈	၅၉	၆၀
၆၁	၆၂	၆၃	၆၄	၆၅	၆၆	၆၇	၆၈	၆၉	၇၀
၇၁	၇၂	၇၃	၇၄	၇၅	၇၆	၇၇	၇၈	၇၉	၈၀
၈၁	၈၂	၈၃	၈၄	၈၅	၈၆	၈၇	၈၈	၈၉	၉၀
၉၁	၉၂	၉၃	၉၄	၉၅	၉၆	၉၇	၉၈	၉၉	၁၀၀

တစ်ရာ

		۸	۵					
۳	۱		۷	۶		۸	۵	۴
	۴							۶
۵	۳				۶	۹		۱
۷			۴		۳			۵
۸		۱	۹				۴	۲
۹							۳	
۴	۸	۶		۲	۷		۱	۹
					۹	۲		

۴			۲	۸				
	۲	۹				۵	۸	
۸	۷			۵		۶		
۵				۴				۳
		۱		۷			۵	۹
	۱	۵				۲	۹	
				۳	۴			۸

[illegible]

حدود سودك شما ۳۵۲۶